

کیست مشتری فال مشتری؟ فال نامه‌ها؛ فال گیری و تفأل در مقام اثری هنری*

نویسنده: معصومه فرهاد^۱ و سرپیل باغچی^۲

ترجمه و تلخیص: نیلوفر لاری^{۳*}

۱. سرپرست و مجموعه گردان بخش هنرهای اسلامی در گالری هنری فریر و گالری آرتور سکلر.
۲. استاد هنرهای اسلامی و عثمانی در دانشگاه حاجت‌تپه آنکارا.
۳. پژوهشگر دوره دکتری رشته پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

تصادفی باز کرد. چشمش به بیتی افتاد که به اسکندر مقدونی - همچنین معروف به ذوالقرنین - و فتح کوه قاف اشاره داشت؛ پس به فرخندگی و خجستگی تأویلش کرد (تصویر ۱).^۴ این دو حکایت و البته بسیاری حکایات دیگر گواهی بر محبوبیت تفأل به کتاب^۵ در میان نخبگان حاکم جهان اسلام است. عمل تفأل زدن چه به قرآن باشد و چه اشعار حافظ یا مثنوی مولوی - به قصد یافتن بصیرتی به عالم غیب بود که صاحبان فال را در نیات و اعمالشان راهنمایی می کرد، آنان را از کامرانی‌هاشان خاطر جمع می ساخت و در برابر بلا و بیچارگی‌ها از پیش هشدارشان می داد. فال نامه‌های مصور که مشتمل بر تصاویری به منظور پیش‌گویی (غیب‌گویی)^۶ هستند، به همین سنت دیرپای تعلق دارند.

قرآن از اواخر روزگار امویان (۴۱-۱۳۲ ق)، در قسمت اعظم جهان

هنگامی که همایون، امپراتور گورکانی، در صدد لشکرکشی به کشمیر (در سال ۹۶۰ ق) برآمده بود، از برای رهنمون یافتن به قرآن توسل جست. صفحه‌ای از کتاب را تصادفی باز کرد و چشمانش بر سوره یوسف افتاد. مشاورش او را متقاعد ساخت که فالش خوب نیامده است؛ پس امپراتور از لشکرکشی منصرف شد.^۱ چندین سال بعد، در اواسط ذی‌الحجه سال ۹۶۱ ق، همایون تصمیم گرفت تا ممالک شرقی هند، همچون بنگال را باز پس گیرد؛ این بار به دیوان لسان‌الغیب تبرک و تفأل جست و فالش نیز نیک آمد. پس شروع کرد به چیدن مقدمات سفرش.^۲ در جایی دیگر، در نصرت‌نامه^۳ مصطفی علی، نویسنده کتاب آورده است که فرمانده سپاه، لله مصطفی پاشا، جهت زیارت آرامگاه مولانا جلال‌الدین رومی در قونیه توقف کرد. هنگام زیارت، برای پیش‌بینی نتیجه نبرد صفحه‌ای از مثنوی مولوی را

* این جستار ترجمه و تلخیصی است از دو فصل نخست کتاب فال‌نامه به کوشش معصومه فرهاد و سرپیل باغچی و تنی چند از دیگر پژوهشگران. این کتاب به مناسبت برپایی نمایشگاه فال‌نامه مورخ ۲۴ اکتبر ۲۰۰۹ تا ۲۴ ژانویه ۲۰۱۰ در موزه هنر فریر و موزه آرتور سکلر در واشنگتن برگزار شد و در پی آن تصاویر این نسخه‌ها به همراه مجموعه مقالاتی بصورت کتاب منتشر شد:

Massumeh Farhad; Serpil Bagci, falnama The Book of Omens, Arthur M. Sackler Gallery; Smithsonian institution, Washington, D. C. 201.

نام‌های این دو فصل کتاب به ترتیب فن فال‌گیری و تفأل (The Art of Bibliomancy) و فال‌نامه در قرون دهم و یازدهم هجری (The Falnama in the 16th and 17th centuries). لازم به ذکر است که نام انتخابی برای عنوان این جستار به انتخاب مترجم است و عبارت «کیست مشتری فال مشتری؟» به تاسی از بیت «ای جهان را دیدن تو فال مشتری / کیست آن کو نیست فال مشتری را مشتری» سروده عنصری است.

همچنین برای مدخلی در مورد فال‌نامه بنگرید به:

<https://www.cgie.org.ir/fa/article/258497/%D9%81%D8%A7%D9%84%E2%80%8C%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87>

این فال‌نامه‌ها به‌طور مشخص در ایران متداول بودند اما تعدادی قرآن عثمانی متعلق به اواخر قرن نهم و قرن دهم را می‌شناسیم که چنین کتابچه‌های راهنمای فال‌گیری داشته‌اند. این نسخه‌های عثمانی نیز به خط نستعلیق زیبایی کتابت شده‌اند اما در باب طراحی کلی‌شان می‌توان گفت نسبت به نسخه‌های شیراز میان‌مایه‌تر بودند.

این فال‌نامه‌های قرآنی با دستورالعمل‌های مشخصی شروع می‌شوند: صاحب فال ابتدا وضو می‌گیرد، سپس در حالی که جلدی از کلام‌الله را در دست دارد یک مرتبه فاتحه، سه مرتبه سوره اخلاص و پس از آن آیه‌الکرسی می‌خواند. تنها پس از آن است که می‌تواند به خداوند توسل جوید. در ساده‌ترین روش، صاحب فال تصادفی کتاب را باز می‌کند و هر کلمه‌ای که در همان لحظه نخست چشمش به آن افتاد، فالش را تعیین می‌کند. اما در نظامی پیچیده‌تر، مجموعه‌مراحلی لازم بود؛ که شامل جداول استشاره برای محاسبه فال با ورق‌زدن تعداد مشخصی از صفحات و شمارش تعداد مشخصی از خطوط و کلمات بودند.

جدا از این موارد، فال‌نامه‌هایی وجود داشتند که مندرج در قرآن نبوده و ساز و کار جدایی داشتند. نخستین نسخه‌هایی که از آن‌ها بجای مانده است به اواخر قرن نهم هجری برمی‌گردند؛ اما برخی‌شان دستورالعمل‌هایی را در بردارند که نشان می‌دهد بر پایه نسخه‌های متقدم‌تری شکل گرفته‌اند؛ نسخه‌هایی که چهره‌های تاریخی مشهوری چون خلیفه هارون الرشید (سلطنت به سال‌های ۱۷۰-۱۹۳ق) و سلطان محمود غزنوی (سلطنت به سال‌های ۳۸۸-۴۲۱ق) از آن‌ها استفاده می‌کردند. این نسخه‌ها عمدتاً به دانیال پیامبر، حضرت علی و به‌طور مکرر به امام جعفر صادق - که به‌طور جعلی با متون مربوط به جادوگری، کیمیاگری و غیب‌گویی به اسم جعفر پیوندش می‌دادند - منتسب می‌شدند.^۱ پیوند به یک شخصیت دینی یا حتی غیردینی مشهور، به این نسخه‌های مستقل فال‌نامه مشروعیت و اعتبار می‌بخشید؛ این در حالی است که همین نسخه‌ها زمانی که مندرج در جلدی از قرآن بودند، چنین انتسابی برایشان ضروری نبود.

نخستین فال‌نامه امام جعفر [فال جعفریه] در کتاب البلهان ابومعشر بلخی - منجم، ریاضی‌دان و فیلسوف (متوفی ۲۷۳ق) - آمده است.^۲ نسخه‌ای از این متن میان سال‌های ۷۳۴ و ۸۳۹ ق در دوره سلطنت سلطان احمد جلایر تصور شده و شامل بخش‌هایی چون فال انبیا، فال مقبول و بخشی در باب تفسیر اختلاج است. به‌طور مشخص، بخش مصور فال انبیا پیشاپیش خبر از نقش پیامبران اسلامی و ابراهیمی در جایگاه نمایندگان اصلی در کار پیشگویی (غیب‌گویی) در فال‌نامه‌های تصویری



شکل ۱. مجلسی در مجتمع - مزار قونیه
(Nusretname, Turkey, 1584, TSM H.1365, f.36a)

اسلام، مهم‌ترین متن پیش‌گویی به شمار می‌آید.^۷ با آنکه اسلام راست‌کیشانه هرازگاهی این رویه را محکوم می‌کرد - زیرا چنین دانشی از آن خدا است -، این سنت در تمام سطوح جامعه شایع و رایج بود. با این حال، باید قوانین خاصی وضع می‌شد؛ بدین ترتیب استادان فال‌گیری طیفی از روش‌های «مشروع» برای استشاره از قرآن ایجاد کردند که بعدها برای سایر متون از جمله فال‌نامه‌های مصور نیز با اعمال جرح و تعدیل‌هایی قابل استفاده بود.^۸

دیگر در قرن نهم هجری بود که پیش‌گویی‌ها صورت رسمی‌تر و مدون‌تری یافتند. به‌طوری‌که در قالب جداول ویژه‌ای که به آن فال‌نامه می‌گفتند، در انتهای قرآن‌ها افزوده شدند؛ رسمی که در قرن دهم هجری به‌طور فزاینده‌ای فراگیر شد. چنین راهنماهایی با عناوین مختلفی چون «فال کلام مجید»، «تفال کلام الله» یا حتی ساده‌تر «من کلام»، مشخصاً در قرآن‌هایی که در شیراز قرن دهم صفویان تولید می‌شد، رایج شده بودند (تصویر ۲). بیشتر این فال‌نامه‌ها بصورت شعر (منظوم) نوشته شده و در جداول و طرح‌های مذهب سامان‌دهی شده‌اند. اگرچه



شکل ۲. برگه‌هایی از قرآن، ایران، دهه ۹۶۰ و ۹۷۰ هجری. (CBL MS.1548, ff.251a-252b)

روشی جایگزین برای تعیین فال بودند. همچنین در آن واحد، می‌شد چند نفر به دیوان تفأل بزنند. در واقع فال‌گیری مجموعه قواعد خاص خودش را داشت. برای مثال، اختصاص شعر به یک نفر بستگی به ترتیب نشستن‌شان داشت و وقتی شعری به نام یک نفر خوانده می‌شد، دیگر برای شخص دیگری مکرراً استفاده نمی‌شد. افزون بر این، این ماجرا نشان می‌دهد که در هر فالی می‌شد ناظرانی نیز حضور داشته باشند. بنابراین شیوه تفأل به دیوان حافظ می‌توانست تجربه‌ای خصوصی و شخصی (در معنایی بسیط، تجربه خاموشی) و یا تجربه‌ای عمومی و همگانی (و در عین حال شنیداری) باشد که قابل استحاله به کنشی نمایشی و اجرایی^{۱۴} بود.

فن فال‌گیری در ایران قرن هشتم هجری بسیار رایج بود؛ عبید زاکانی (متوفی ۷۷۲ ق)، هجونیوس معروف هم‌عصر حافظ، دو اثر در ارتباط با فال نوشت: *فال‌نامه بروج* و *فال‌نامه وحوش و طیور*. مورد نخست تقلیدی از علائم منطقه البروج است و در مورد دوم از حیوانات و پرندگان به‌عنوان موضوع برای پیشگویی‌های فکاهی و اغلب شهوانیش استفاده می‌کند.^{۱۵} از آن سو، در ترکیه قرن دهم هجری، رازنامه^{۱۶} اثر حسین کفوی

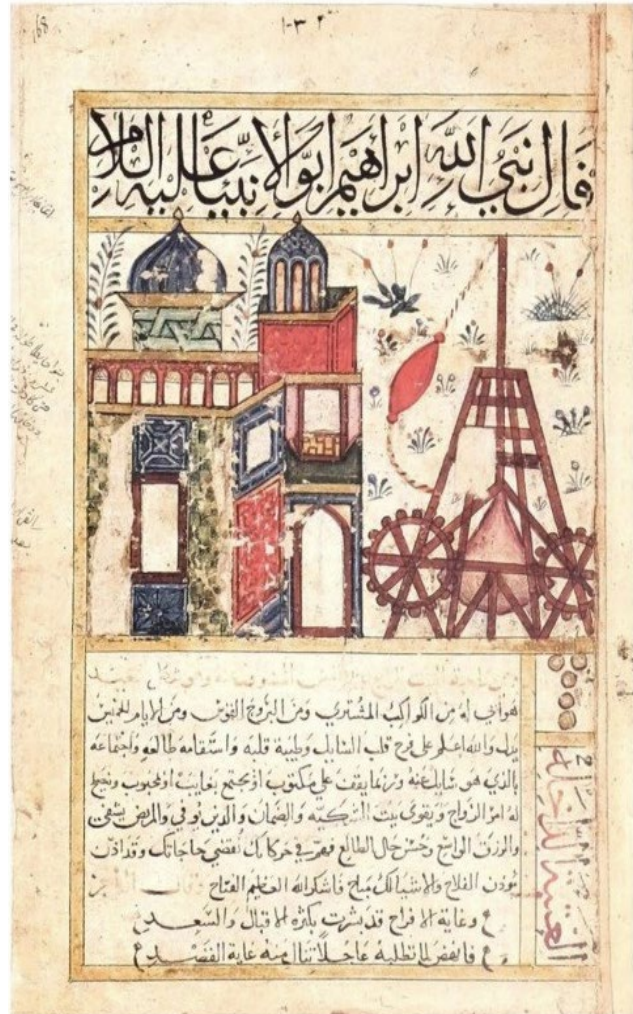
بعدی را می‌دهد. در این کتاب، هر فال با یک شخصیت مذهبی عجیب است که خود شخصیت هم با یک ساختار معماری بازنمایی می‌شود. بناها که احتمالاً به عمارت یا بیت نجومی اشاره دارند، به نوبه خود به جنبه‌های معینی از وجود بشری مرتبط‌اند. این فال‌ها به لحاظ معنایی هم خوش‌یمن بودند و هم بدیمن، و البته محتوای پیشگویی‌های فال‌نامه‌های تصویری متاخر را نیز به یاد می‌آورند (تصویر ۳).^{۱۱} فال انبیا با نمایش پیامبران اسلامی و ابراهیمی بطن زمینه اخترشناسانه، فال ستارگان و کواکب را با فال پیامبران در هم می‌آمیزد و بدین واسطه توجیهی مذهبی برای اخترشناسی و فن فال‌گیری ایجاد می‌کند.^{۱۲}

دیوان حافظ، محبوب‌ترین اثر ادبی برای پیشگویی بود.^{۱۳} صاحب فال به طریق تفأل قرآنی پس از قرائت اذکار، به شیوه‌های مختلف می‌توانست به دیوان حافظ تفأل زند؛ یعنی تصادفی صفحه‌ای از کتاب را باز می‌کرد و نخستین سطر که چشمش بر آن می‌افتاد یا آخرین غزل بر روی صفحه، فالش را رقم می‌زد. مجموعه‌ای از جداول به همراه حروف، همیشه در مضرب‌های هفت یا نه که به آن‌ها فال‌نامه نیز گفته می‌شد،

(متوفی ۱۰۱۰ ق)، قاضی، فقیه و ادیب عثمانی شاهی است بر محبوبیت فال گیری در این دوران. رازنامه که به سلطان مراد سوم (سلطنت به سال های ۹۸۲-۱۰۰۴ ق) و در نسخه ای دیگر به سلطان محمد سوم (سلطنت به سال های ۱۰۰۴-۱۰۱۲ ق) پیشکش شده بود، حکایات بسیار و متنوعی درباره فن تفال به متون مختلف در میان نخبگان استانبولی را دربر دارد. شخصیت های اصلی این حکایات افراد سرشناس تاریخی ای بودند که از معاصران نویسنده به شمار می آمدند و به زبان عربی و فارسی تسلط و با قرآن نیز آشنایی داشتند. به شرح کاشفی، این فرزندان جامعه استانبول، در مجالس، به آثار حافظ، جامی، مولوی، و البته قرآن تفال می زدند. به قرار مسموع، ابیاتی که تصادفی انتخاب می شدند به شیوه اعجاب آمیزی سوالات و تنگناهاشان را پاسخ می داد و هموار می کرد.^{۱۷} حتی ابوسود افندی مفتی استانبولی بزرگ (متوفی ۹۸۲ ق) دستی در فال گیری داشت اما تلاش می کرد که معنای پیشگویی ها را بصورت کدگذاری شده در آورد و بدین ترتیب میزان آزادی تفسیر را کنترل کند. به گفته حاجی خلیفه (۱۰۱۸-۱۰۶۸ ق)، نویسنده و فقیه عثمانی، مفتی بزرگ فتواهایی در باب شرایط مشروعیت فال گیری صادر کرده بود.^{۱۸}

تفال و تصویر: پیدایش ژانر فال نامه

دست کم در نیمه نخست قرن دهم هجری در ایران، تصاویر استشاره در اندازه های بزرگ به ابزار عامی برای پیشگویی بدل شدند، اما این رویه احتمالاً پیشینه دراز آهنگ تری داشته است. تشبیه شاعرانه ای متعلق به قرن پنجم در دیوان منوچهری ظاهراً بر وجود نمونه های ممکن پیشین دلالت دارد: «بسان فالگویانند مرغان بر درختان بر/ نهاده پیش خویش اندر، پر از تصویر دفترها».^{۱۹} این بیتی از منوچهری است که خبر از حضور فالچیان مصور می دهد. نگاره ای چون یونس و نهنگ متعلق به حدود ۸۰۳ ق که در موزه هنر متروپولیتن قرار دارد ممکن است نشان دهنده نوع فعلی باشد که منوچهری به آن اشاره می کند (تصویر ۵).^{۲۰} بجز نوشته ای بر روی بازوان پیامبر که می گوید: «قرص خورشید در سیاهی شد/ یونس اندر دهان ماهی شد»، این اثر هیچ متن دیگری ندارد. این نوشته کوتاه پیرامون موضوع تصویر به همراه اندازه بزرگش مصورسازی های دوران جدیدتر را از صحنه های مشابه (معجزات) در فال نامه ها به یاد می آورد (تصویر ۴) و شاید بتوان این تصویر را طلایه دار این ژانر دانست. حتی در غیاب منادیان تصویری و ادبی، می توان بسیاری از ایده ها و درون مایه هایی را که در فال نامه های تصویری دیده می شوند، در متون مصور متقدم تر پی گرفت که شروع شان از



تصویر ۳: منجنیق ابراهیم، کتاب البلهان، قرن هشتم و نهم هجری قمری. (BODL or 133, f.168a)



شکل ۴: یونس و ماهی، احتمالاً ایران، دهه ۹۷۰ و ۹۸۰. (TSM H.1702, f.27b)



شکل ۶. اهریمن، عجایب‌المخلوقات، ایران، دهه ۹۷۰ - ۹۸۰.
(TSM H.401, f.55a)

بر وجه شگرف طبیعت مخلوق خداوند در یک سیاق یا زمینه جدید و متفاوت سامان‌دهی می‌کند، فال‌نامه‌های مصور نیز طیفی از منابع را برای ورود به عالم غیب و تقویت سلوک معنوی، اخلاقی و دینی مصادره به مطلوب می‌کنند.^{۲۲} ترکیب علم اخترشناسی و جادوگری برای راهنمایی رفتار و کردار انسانی - ایده‌ای که در فال‌نامه‌های مصور دوران متأخر مندرج است - عمده محتوای متن غیرمعمول کتاب معروف به دقایق الحقایق متعلق به قرن هفتم هجری را شکل داده است. جنگی مصور متعلق به سده‌های میانه با بخش‌هایی در باب اخترشناسی، طالع‌بینی و عجایب‌المخلوقات طوسی، به غیاث‌الدین کیخسرو سوم (سلطنت ۶۶۵-۶۸۳ ق)، آخرین فرمانروای سلسله سلجوقی آناتولی پیشکش می‌شود. این نسخه در شهرهای آق‌سرای و قیصری در آناتولی مرکزی در حدود سال‌های ۶۷۲ ق گردآوری شده است، به همراه ضمیمه‌ای که بعدها نصیرالدین محمد نامی، رمال متصدی تنظیم ساعات و مخلوط هیاکل، به آن افزود. دقایق الحقایق احتمالاً پاسخ به تهدید مغولانی بود که ثبات



شکل ۵. بیونس و ماهی، ایران، قرن هشتم.
(MMA 1933.113)

عجایب‌المخلوقات است. هرچند زکریا ابن محمد ابن محمود، معروف به القزوينی (متوفی ۶۸۲ ق) سرشناس‌ترین نویسنده‌ای است که با ادبیات عجایب قرین بود، اما محمد ابن محمود الطوسی را نیز می‌توان منادی مهم دیگری برشمرد. عجایب طوسی که میان سال‌های ۵۵۱ و ۵۶۲ ق به فارسی نوشته شده، عجایب عالم را در ده رکن و قانون (فصل) توصیف می‌کند و شامل بحث‌هایی در باب اراده آزاد در برابر سرنوشت، صورت‌های طلسم و جادوگری، مقابر پیامبران و پادشاهان، تفسیر رویا (تفأل و پیشگویی بر اساس تعبیر خواب) و کیمیاگری است - درون‌مایه‌هایی که صریحاً و تلویحاً محتوای فال‌نامه‌های مصور را شکل می‌دهند.^{۲۱} همین تأکید طوسی بر علم غیب است که می‌تواند توضیحی باشد بر علاقه مجدد به مصورسازی نسخه عجایب‌المخلوقات در دهه ۹۸۰ و ۹۹۰ ق؛ یعنی در همان زمانی که فال‌نامه‌های مصور مد روز شده بودند (تصویر ۶). درست همانند اثر طوسی که گستره وسیعی از دانش را بمنظور تأکید



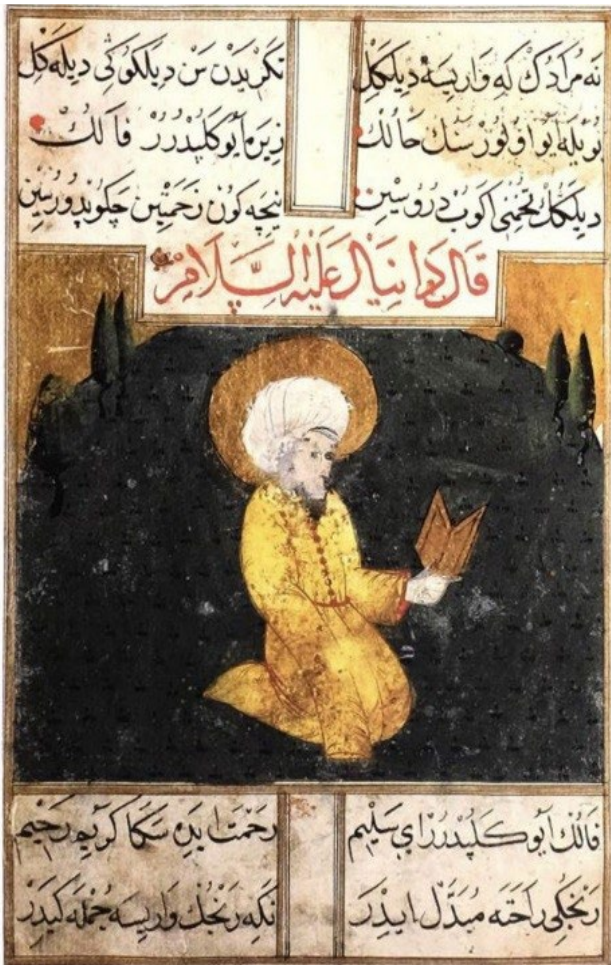
شکل ۸. یاجوج و ماجوج، کتاب البلهان، قرون هشتم و نهم هجری قمری.
(BOLD or 133, f. 38a)



شکل ۷. برگی از مونس الاحرار، ایران، ۷۴۱ ق.
(FGA F1946.14)

رابطه میان تصویر و متن که در فال نامه‌های مصور قرن دهم وازگون می‌شوند. مفهوم «عجایب»، که نخستین بار از منابع عجایب‌المخلوقات کاوش شد و در فال نامه‌ها در قالب معجزات رسولانه از نو طرح‌ریزی شد، همچنان نقش مهمی در کتاب ابو مشعر (در کتاب البلهان، مصور به قرون هشتم و اوایل نهم، که قبلاً ذکر آن رفت) ایفا می‌کند. افزون بر فصلی درباره جن و پریان، با طلسم‌ها و جادوهای عددی برای کنترل کردن آنان، این نسخه یک بخش مصور نادری از مجموعه عجایب دارد که شامل پرت‌های از نویسنده و تصاویر کلیساهای روحانیون، مساجد، حمام‌ها و مکان‌های اسرارآمیز است. هرچند که تصاویر معلوم است که چه هستند اما متنی هم ندارند [که نشانگر باشد] و به‌عنوان ابزارهای ممکن برای قصه‌گویی استفاده شوند.^{۲۴} اما با نظر به دغدغه متن نسبت به انواع مختلف رویه‌های فال‌گیری، آدمی بر این داشته می‌شود که استدلال کند از این تصاویر «عجیب» احتمالاً از برای پیشگویی نیز استفاده می‌شد (تصویر ۸ و ۹). علاوه بر این، برخی از آن‌ها به لحاظ درون‌مایه با فال‌های تصویری دوران متاخر همانند هستند.^{۲۷}

سیاسی‌اناتولی را در دوران پایانی قرن هفتم هجری تهدید می‌کردند. اگرچه این کتاب به قصد فال‌گیری نبود، اما به‌عنوان تالیفی درباب درون‌مایه‌های مرتبط با طالع‌بینی، در زمانه نامطمئن‌های سیاسی، یک هم‌طرزای خاصی با فال‌نامه‌های مصور قرن دهمی و اوایل یازدهمی‌ای دارد که در پی هزاره جدید اسلامی خلق شده بودند.^{۲۳} جنگ منظوم فارسی مونس الاحرار فی دقائق الاشعار اثر محمد ابن بدرالدین جاجرمی که اکنون برگه‌های آن در موزه‌ها و مجموعه‌ها پراکنده است، در سال ۷۴۱ ق انجام یافت و احتمالاً نخستین نسخه بجامانده به همراه تصاویر و فال‌ها را نمایندگی می‌کند (تصویر ۷).^{۲۴} این متن که در بیست و نه فصل سامان داده شده و هریک درباب یکی از صنایع ادبی است، شامل شش نقاشی است که برخی از نخستین علائم منطقه البروج اسلامی را بر روی کاغذ نشان می‌دهد. همچون فال‌نامه‌های دوران متاخر، پیش‌گویی‌ها طیفی از دغدغه‌های دنیوی را همچون تجارت، خرید جواهرات یا حیوانات یا ظاهر و سلامتی انسان را دربر دارد.^{۲۵} اما هنوز هم در مونس الاحرار، تصاویر نسبت به پیشگویی‌های نوشتاری در درجه دوم اهمیت قرار دارند؛ همان



شکل ۱۰. دانیال نبی، خورشیدنامه، ترکیه، قرن دهم.
(NL A5179)



شکل ۹. کوه جادو. کتاب البلهان. قرون هشتم و نهم هجری قمری.
(BOLD or 133, f.42b)

که در خود متن آمده است. برخی از پیامبران که تصویر چهره‌شان محو یا خراب شده، با مشخصه ویژه‌شان نشان داده شده‌اند، برای مثال موسی با عصایش، یونس و ماهی یا کتاب دانیال (تصویر ۱۰). بجای هاله شعله‌سان در سنت قدیمی تر مصورسازی پیامبران، در اینجا آن‌ها با هاله‌ای گرد نشان داده می‌شوند که حاکی از منبع شمایل‌نگاری احتمالاً مسیحی است. اما این مصورسازی‌ها همچون نقاشی‌های مونس الاحرار، همچنان نسبت به پیشگویی‌های نوشتاری در درجه دوم اهمیت قرار دارند. تنها در فال‌نامه‌های تصویری قرن دهم است که خود تصاویر تماماً به پیشگویی‌ها بدل می‌شوند و برای ایجاد بصیرتی به درون عالم غیب به «خوانش در می‌آیند».

چرخشی در متن و تصویر: فال‌نامه‌های قرن دهم و یازدهم هجری^{۲۰}

اولیا چلیپی، سیاح و نویسنده مشهور عثمانی (متوفی ۱۰۹۳ ق)،

یک نمونه کمیاب از متن مصور متعلق به عثمانیان، که منحصر به پیشگویی است، نسخه خورشیدنامه در کتابخانه ملی آنکارا (A. ۵۱۷۹) است که پراکنده و آسیب‌دیده است.^{۲۸} متن ترکی منظوم که به قرن دهم تاریخ‌گذاری شده، از حروف کلمه خورشید برای رسیدن به پیشگویی استفاده می‌کند. روش پیشگویی آزادانه، بر اساس نوع جداولی است که برای قرآن و دیوان حافظ تهیه می‌شدند و در جزئیات شایان توجهی در نسخه‌های متاخر و غیر مصور قرن دوازدهم از همان متن نوشته می‌شود. این [متن] به صاحب فال دستور می‌دهد که با انداختن یک سری قرعه فال بر روی میز با حروف کلمه خورشید شروع کند. این قرعه‌ها ابتدا او را به یک سیاره، سپس به یک پرنده، و سپس به یک حیوان و در نهایت به یک رسول ابراهیمی یا اسلامی (در میان آنها، محمد، چهار خلیفه، حسن و حسین بودند) هدایت می‌کند که انگار آن‌ها پرده از آن فال برمی‌دارند.^{۲۹}

مصورسازی‌های خورشیدنامه آنکارا، هرچند آسیب دیده‌اند و از نو نقاشی شده‌اند، شامل تصاویر شماتیکی از پرندگان، حیوانات و پیامبرانی هستند

آن حضور داشتند و عکس‌العملشان به پیش‌گویی‌های فال‌گو خنده بود. اگرچه بیشتر فالگیران مرد بودند، گهگاهی زنان نیز در نقش مفسران فال دیده می‌شدند. استفان گراخ که در سال ۹۸۵ق (۱۵۷۷م) در مقام سفیر هابسبورگ از استانبول دیدن کرده بود، در توصیفش از فعالیت‌های روزانه در جلوی مسجد بایزید، به مفسران و صاحبان فال مونث اشاره دارد. آنها از سنگ‌های کوچک، نخود یا تاس و نیز کتاب‌های کوچکی که صاحبان فال را از بخت خوب یا بدشان آگاه می‌کرد، استفاده می‌کردند.^{۳۶}

آدام اولناریوس، منشی هیئت اعزامی هولشتاین به ایران از ۱۰۴۵ تا ۱۰۴۹ق (۱۶۳۵ تا ۱۶۳۹م)، روش پیچیده‌تری را برای استشاره از این فال‌ها که در میدان شاه اصفهان شاهد بود، شرح می‌دهد. «فالگیر سی یا چهل صفحه نازک که درازا و پهنای هر کدام به یک زول می‌رسد در مقابل خود می‌گسترند. در قسمت پایین این صفحات نوشته‌هایی دیده می‌شود، مشتری باید بر روی یکی از این صفحه‌ها پول بگذارد و نیت کند، حال اولین کاری که فال‌گیر می‌کند کاملاً معلوم است، او صفحه‌ای را که پول بر روی آن قرار دارد، ضمن خواندن چند ورد به طرف خود می‌کشد و به نوشته روی صفحه نظر می‌اندازد، کتابی با خود دارد که بسیار دراز و پهن است و قطر آن به سه چهار انگشت می‌رسد، صفحات این کتاب با اشکالی از فرشتگان، شیطان، اژدها و انواع مختلف جانوران و کرم‌ها صورتی مهیب ولی جالب نقاشی شده‌است؛ او کتاب را در دست می‌گیرد و چند بار زمزمه‌کنان آن را ورق می‌زند، بالاخره شکل مشخصی را در نظر می‌گیرد و صفحه‌ای را که پول بر آن قرار داشت در برابر این شکل می‌گذارد و از آینده سخن می‌گوید».^{۳۷} در این شرح، اولناریوس درباره کارکرد نوشته‌های روی صفحات یا ارتباطشان با تصاویر حرفی نمی‌زند، بنابراین این فکر به ذهن می‌رسد که ممکن است فالگیر اصفهانی نیز مانند استاد محمد چلپی تفسیرش را بداهه می‌گفت.

شاردن سیاح و جواهرفروش فرانسوی که زمان زیادی را در پایتخت اصفهان در دهه‌های ۱۰۷۰ و ۱۰۸۰ق (۱۶۶۰ و ۱۶۷۰م) گذرانده بود، از حضور فال‌گیران در جنب «کاخ همایونی» (کاخ عالی‌قاپو) در میدان شاه خبر می‌دهد. او می‌گوید که این فال‌گیران غیب‌گو کتاب بزرگی مشتمل بر پنجاه تصویر داشتند که این تصاویر متشکل از صور زمختی بود که بعضی از آنها صور فلکی و برخی دیگر تمثال‌های انبیا و ائمه بوده است. فالگیر پس از زمزمه اذکار و ادعیه، با یک نظاره مشحون از الهام کتاب را باز می‌کرد و به صاحب فال چیزهایی را که از شنیدنش خوشحال می‌شد، می‌گفت.^{۳۸} همانطور که این گزارش‌های عینی نشان می‌دهند، فال‌نامه‌هایی

در سیاحت‌نامه‌اش توصیفی از صنف فالچیان مصور به دست می‌دهد و به بساطشان در بازار محمد پاشای استانبول اشاره دارد. او در مورد رئیس این صنف، استاد محمد چلپی،^{۳۱} که آنقدر مورد احترام بود که حتی سلطان سلیمان (سلطنت به سال‌های ۹۲۶-۹۷۳ق) را ملاقات کرده بود، چنین می‌گوید: او تصاویری را که روی کاغذهای استانبولی بزرگ کشیده شده بودند، یکی یکی «روی دکانش» در معرض تماشا گذاشته بود. این تصاویر را استادان بی‌رقیب گذشته کشیده بودند و مهر تایید قلم و رقم آنان را داشتند. این تصاویر جمله پهلوانان و پادشاهان قدیم، بی‌شمار رسولان و پیامبران و همچنین بسی قلعه‌ها، جنگ‌ها، سلحشوری‌ها و شگفت‌انگیزترین نبردهای دریایی و لاشه‌های کشتی‌ها را در دریا به تصویر می‌کشیدند.^{۳۲} چلپی در این گزاره‌ها، به مصورسازی‌های نامعمول و خاصی اشاره دارد که به‌عنوان فال‌های تصویری چه در ترکیه عثمانی و چه در ایران صفوی قرون دهم و یازدهم استفاده می‌شدند. نمونه‌های بجامانده که بخاطر اندازه بزرگ، ترکیب‌بندی‌های خاص و موضوعات غیرمعمولشان درخور توجه‌اند، در میانه دهه ۹۴۰ و نخستین دهه‌های قرن یازدهم خلق شدند، و هنوز هم در میان تصاویری که در آن دوران تولید شده‌اند، استثنایی محسوب می‌شوند.

افزون بر این روایت، گزارش‌های دیگری نیز از اولیا چلپی و دیگران در دست داریم که روش‌های مختلف استشاره از این فال‌های تصویری را برایمان روشن می‌سازد. رهگذران با دادن سکه‌ای نقره (آکچه) و انتخاب تصادفی یکی از تصاویر در جستجوی طالع‌شان بودند. استاد محمد چلپی سپس تصویر انتخاب شده را بررسی می‌کرد و بر حسب آنکه آیا جنگ‌ها و سلحشوری‌ها، یا داستان‌های یوسف و زلیخا یا لیلی و مجنون یا شیرین و فرهاد یا ورقه و گلشاه یا دشمنی‌ها یا محافل عشرت پادشاهان کهن را نمایش می‌داد، نظرات خود را به صورت شعری، بداهه بیان می‌کرد و هرکس می‌شنیدشان از خنده روده‌بر می‌شد.^{۳۳} گزارش اولیا حاکی از آن است که این فال‌های تصویری با توضیحات متنی همراه نبودند و این استاد محمد چلپی بود که تفسیر تصاویر را برای صاحبان فال بداهه انجام می‌داد. پس به یک معنی، معنای این فال‌های تصویری امری ثابت نبودند و به پیشگو اجازه می‌دادند تا تفاسیر خودش را اغلب از طریق اشعار فکاهی شرح دهد، بپیراید و عرضه کند. روش استاد محمد به شیوه اجرای نمایشی^{۳۴} بود و بیشتر به شیوه قصه‌گویی شباهت داشت که حماسه‌ها را روایت می‌کردند، با این تفاوت که در اینجا محتوا برای هر صاحب فالی شخصی شده بود و مبتنی بر تصویری بود که تصادفی انتخاب می‌شد.^{۳۵} افزون بر این جلسه لزوماً یک جلسه خصوصی نبود، زیرا همین گزارش اولیا نشان می‌دهد که ناظرانی غیر از صاحب فال در

کیست مشتری فال مشتری؟ فال‌نامه‌ها؛ فال‌گیری و تفأل در مقام اثری هنری

محمد چلبی داشتن تفسیرهای مکتوب است. بنابراین در این نمونه، معنای تصویر عمدتاً ثابت و مشخص شده است و دیگر وجود یک میانجی و فالچی امری ضروری نیست. دیگر خود سلطان می‌توانست هم صاحب فال باشد و هم فال‌بین تقدیر خویش.^{۳۹}

هر فال کتابی مستقل - حال نه تنها در این فال‌نامه‌ها تصویر برتری بی‌سابقه‌ای دارد بلکه ساز و کارشان بنحوی شده است که دیگر تناظر یک به یک میان تصویر و متن وجود دارد.^{۴۰} برخلاف اغلب دیگر نسخه‌های مصور صفویان و عثمانیان که در آنها تصاویر دائماً در طول کتاب ظاهر می‌شوند تا لحظات خاصی از روایت را برجسته کنند، یا برخلاف مرقعات که گردآوری مجموعه‌ای از آثار مستقل از گذشته دور تا روزگار نزدیک است،^{۴۱} فال‌نامه یک رابطه‌ی تصویر-متن متمایزی را به تجربه می‌کشانند^{۴۲}: تصویر در یک صفحه کتاب و متن مربوطه

وجود داشتند - یعنی همان‌هایی که در خیابان‌های استانبول و اصفهان استفاده می‌شدند - که فقط تصویر داشتند و بدین ترتیب تفسیرهای آزادی را جهت استشاره و البته سرگرمی برمی‌تابیدند. حجت مهم دیگری بر استفاده از فال‌های تصویری، گفته قلندر پاشا است که فال‌نامه‌ای را برای سلطان احمد اول عثمانی در قرن یازدهم گرد آورده بود. به گفته قلندر پاشا، صاحب فال از طریق «تصاویر» و «اشکال» می‌توانست با مثال یاد بگیرد که چگونه گذشته را تفسیر کند و در نتیجه حال و آینده را دریابد. تصاویر همچون تابلوهای راهنما در این مسیر بودند. صاحب فال (در این مورد، سلطان احمد) می‌بایست با نیت کردن آغاز می‌کرد، پس از قرائت اذکار کتاب را باز می‌کرد و بعد از انجام این مراحل، می‌توانست تصویر را در سمت راست و پیشگویی مکتوب را در سمت چپ ببیند؛ این تصویر و نوشته در کنار هم فال را نشان می‌دادند. یکی از تفاوت‌های بسیار مهم میان فال‌نامه قلندر و فال‌نامه‌های مورد استفاده استاد



شکل ۱۱. اصحاب کهف و متن فال، فال‌نامه، ایران، دهه ۹۷۰-۹۸۰.
(TSM H.1702, ff.12b-13a)



شکل ۱۲. صالح شتری راز دل کوه بیرون می آورد (متن فال)، فالنامه، ایران، اوایل دهه ۹۶۰ (MIK 16945)

از پیشگویی‌های شفاهی بوده باشند، اما در اینجا رسماً با تفسیرها ادغام شده‌اند. این دستورها اول از همه، بر اهمیت خواندن منظم نمازها، یاد خدا، صدقه دادن و نیکوکاری نسبت به فقرا تأکید دارند. همچنین به صاحبان فال یادآوری می‌کند که صبوری نشان دهند، افکار منفی را بیرون کنند، از انجام اعمال ناعادلانه بپرهیزند و از هم‌نشینی بد دوری جویند. رسوم دینی عام - همچون زیارت اماکن مذهبی، شمع روشن کردن و به همراه داشتن تعویذ و حرزهای بخصوصی - هم برای تسریع رسیدن به نیات فردی و هم برای محافظت از سلامت دینی و اخلاقی مکرراً توصیه می‌شود.^{۴۵} آمدن این توصیه‌ها در کنار مصورسازی‌های معادشناسانه - که چشم انداز وحشتناکی را که در انتظار کسانی است که این هشدارها را نادیده می‌گیرند، نشان می‌دهد - در فال‌نامه‌های صفویان و عثمانیان شاید بر مسئله رواج فرهنگ دینی پر جنب و جوش و مشترک این دو قلمرو اشاره داشته باشد.

محتوای تصویر - حال بینیم تصاویر فال‌نامه‌های دوران جدید چه مضامینی را به نمایش می‌گذارند. در برخی از مصورسازی‌ها، آثاری را می‌بینیم که انگار نسخه‌های تاریخی

در صفحه مقابلش قرار دارد و این دو صفحه کنار هم، واحد مستقلی را به‌عنوان فال برمی‌سازند. (تصویر ۱۱) اما نکته درخور توجه این است که محتوای این متن و این تصویر دقیقاً چه چیزهایی هستند.

محتوای متن - با وجود تفاوت‌ها در سبک، اندازه و محتوای پیشگویی‌ها، متن این فال‌نامه‌ها به زبانی نسبتاً ساده نوشته شده‌اند و هر کدام شامل عناصر زیر هستند: تعیین و توصیف تصویر، جمله‌ای در باب معنا و تاثیر بر نیت صاحب فال، و مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های مذهبی. نخست موضوع فال و تصویر به صورت منظوم معرفی و معین می‌شوند و در پی آن پیشگویی به حالت منثور می‌آید که در واقع همان موضوع و معنای تصویر را تکرار و دوباره تأیید می‌کند (تصویر ۱۲).^{۴۳}

پیشگویی‌ها را می‌توان در سه دسته سعد، نحس، یا میانه (یعنی در ابتدا خوش‌یمن نیست اما سپس بهبود می‌یابد) طبقه‌بندی کرد. پرتکرارترین خبر که تقریباً در همه فال‌ها دیده می‌شود، خبر از احتمال رفتن به سفری است. باقی دغدغه‌های مشترک درباره نتایج معاملات تجاری، شراکت، ازدواج یا جایابی به منزل و مکانی جدید؛ سرنوشت یک خویشاوند یا دوست غایب یا بیمار؛ وضعیت بدهی یا اشیای باارزش گمشده؛ احتمال گرفتن خبری از دوست یا جلب محبت معشوق یا احترام دیگران؛ و به موقع بودن تقدیم عریضه یا زیارت مکه، مدینه یا سایر اماکن و مقابر مذهبی است.^{۴۴} بسیاری از پیشگویی‌ها بخصوص هشدار علیه زنی یا مردی همراه با ذکر ویژگی‌های ظاهری قابل تشخیصی (چون بلندی یا کوتاهی قامت، رنگ مو یا چشم) همراه بود؛ عنصری که از نوع مشهور دیگری از پیشگویی یعنی علم‌القیافه یا علم‌الفراسه (علم چهره‌خوانی) مشتق شده است.

در حالیکه فال‌ها در فال‌نامه‌های مذکور اولاً و اساساً از رویدادهای آینده خبر می‌دهند اما ممکن است که با حال حاضر هم سر و کار داشته باشند بخصوص در مورد شرایط ذهنی صاحب فال که همان سرآخر، آینده را می‌سازد. برای مثال، متنی که با تصویر به تخت نشستن یوسف در فال‌نامه پیرکننده همراه است، می‌گوید که تصاویر زشتی از ذهن صاحب فال می‌گذرد و او می‌بایست در برابر وسوسه‌های شیطان از خود محافظت کند و از هم‌نشینی بد دوری جوید. منظور در اینجا این است که اگرچه خدا داور نهایی است اما بر صاحب فال واجب است که زندگی صادقانه‌ای در زمان حال در پیش گیرد تا از درد و مجازات آینده جلوگیری کند.

تقریباً تمام فال‌ها با مجموعه‌ای از رهنمودهای دینی جمع‌بندی می‌شوند. حتی اگر این دستورها قبلاً بخشی

کیست مشتری فال مشتری؟ فال‌نامه‌ها؛ فال‌گیری و تفأل در مقام اثری هنری

علی که با شمشیرش ذوالفقار که ظاهراً پیامبر به وی داده، شناخته می‌شود، در مقام ابرانسان، مدافع راستین اسلام و حامی مظلومان به تصویر کشیده می‌شود. در بیشتر موارد، چنین تصویرسازی‌هایی منحصر برای فال‌نامه هستند و آنها بر منابع مختلف همچون تاریخ‌های عمومی ابوجعفر محمد ابن جریر طبری (متوفی ۳۰۱ ق) و تاریخ‌نامه بلعمی (متوفی ۳۲۹ ق)، نسخه‌های متعدد قصص الانبیا و نیز روایت‌های عامیانه فرقه‌های بکتاشی و علوی آناطولی (چه مکتوب، چه شفاهی) مبتنی هستند.^{۴۸}

به نقل از احادیث، حضرت محمد هیچ معجزه‌ای جز وحی کلام الهی ندارد. اما در طی زمان، فقها، مفسران و راویان عامه از ارجاعات قرآنی برای حوادث نامعمول در زندگی پیامبر به‌عنوان پایه‌ای برای داستان‌های پرجزئیات و تاریخ انبیا استفاده می‌کردند که شامل توصیفات درباب معجزات و دیگر رویدادهای خارق‌العاده است.^{۴۹} این کار در وهله اول به قصد متقاعد کردن آنانی بود که به قدرت و صحت پیام الهی ایمان نداشتند. در فالنامه، پیامبر با چندین عمل معجزه‌آسا همچون معراج و رویدادهای شگفت دیگر چون شق القمر (تصویر ۱۳)،^{۵۰} و شفای طفل بیمار نشان داده می‌شود.

متقدم را از آن خود ساخته کرده‌اند، اما در باقی موارد، هنرمندان موضوعات و شمایل‌نگاری‌ای را وارد می‌کنند که تنها یگانۀ فالنامه‌ها هستند. حتی زمانی که تصاویر دورن‌مایه‌های آشنایی را به نمایش می‌گذارند همچون معراج پیامبر یا مرگ دارا [آدریوش سوم] در نبرد اسکندر، بستر مفهومی فالنامه معانی و عملکردهای متفاوتی را به این تصاویر می‌بخشد. موضوع فال‌نامه می‌تواند به مقولات وسیع زیر تقسیم‌بندی شود: حضرت محمد و اعقابش، مقابر و اماکن مقدس، پیامبران ابراهیمی، اسطوره‌ها، پهلوانان و اشرار و درون‌مایه‌های مربوط به روز رستاخیز و در نهایت تصاویر سیاره‌ها و صور فلکی به‌عنوان قدیمی‌ترین و آشناترین فرم پیشگویی.^{۴۶} معروف‌ترین موضوع در تمامی فالنامه‌های بجامانده، زندگی و اعمال حضرت محمد و اعقاب او، بخصوص امام علی، امام حسن، امام حسین و امام رضا است. همچنین، فال‌نامه فارسی *تویق‌پی‌سرای* دو تصویر نادر از امام مهدی دارد.

نقاشی‌ها در دو گروه شمایل‌نگارانه تقسیم می‌شوند: گروهی شخصیت‌ها را به نمایش می‌گذارند و گروهی دیگر مقابر و زیارتگاه‌های مقدس را. نخستین گروه بر معجزات و صفات پیامبر تاکید دارند، و البته اغلب آثار بر حضرت علی.^{۴۷} امام



تصویر ۱۴: طواف کعبه، فالنامه درسدن، ایران، ۹۵۰-۹۷۰ ق.
(MAH 1971-107/37)



تصویر ۱۳: شق القمر، فالنامه درسدن، احتمالاً ایران، دهه ۹۹۰.
(SLUB E445, f.14b)

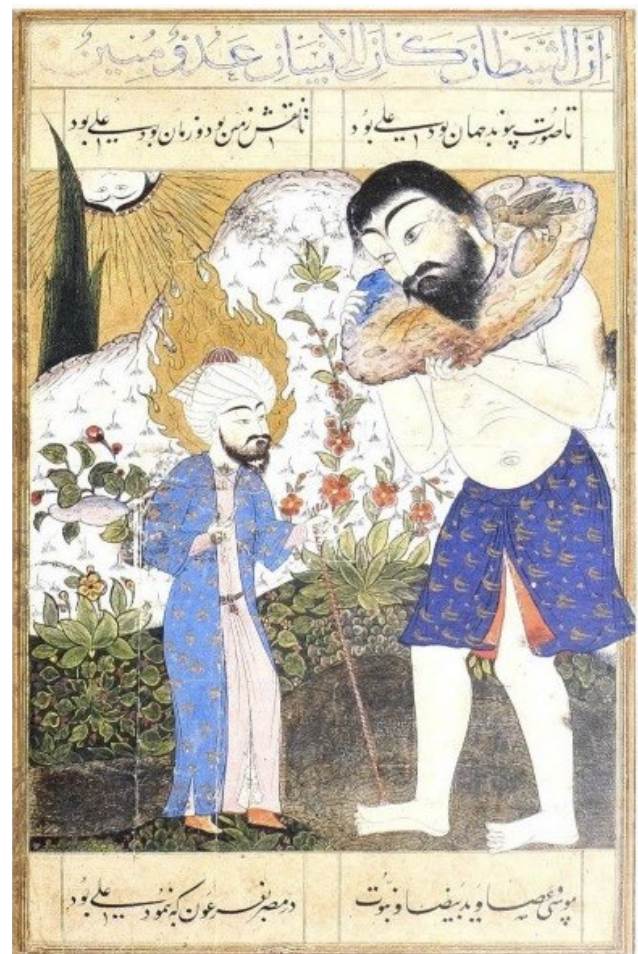
قرار دادند و توجه خاصی به نگه‌داری اماکن مقدس در مشهد، نجف و کربلا مبذول داشتند.^{۵۴} مرکزیت این اماکن، بخصوص در میان شیعیان، در فال‌نامه‌ها آشکار است، یعنی در جایی که هم متن و هم تصویر همواره بر مقدس بودن این فضاها و آمیزشش با امر الهی و در ادامه با عالم غیب تأکید دارد.

پیامبران ابراهیمی - آدم و حوا، موسی، یوسف، سلیمان، مریم و عیسی - جزء بنیادین تبارشناسی دینی یهودی، مسیحی و اسلامی دومین موضوع مکرر تصویری در فال‌نامه‌ها هستند (تصویر ۱۵).^{۵۵} ترسیم آن‌ها به‌عنوان فال‌های مصور، که از پیش در برخی از نخستین تواریخ عمومی مصور بجامانده وجود داشتند،^{۵۶} بر ارجاعات نسبتاً ناکافی و «پیزودیک» در قرآن استوارند، جایی که آنها به عنوان پارادایم‌های اخلاقی عمل می‌کنند، نمادی از همه نیکان و شریان هستند و «مربی» و الگویی برای محمد و عقابش به شمار می‌آیند.^{۵۷} این ارجاعات ناقص با تفاسیر یهودی و تا میزانی کمتر با منابع مسیحی و ایرانی غنا می‌یابند و با احادیث و تواریخ عمومی بعدی در هم می‌آمیزند.^{۵۸}

در قرن یازدهم، بخاطر عدم دسترسی عمومی مردم به این تواریخ انبیا، مواد پراکنده درباره زندگی و داستان‌های پیامبران در اثری مستقل و عامیانه‌تر معروف به قصص الانبیا گرد آمد که در طول زمان به یک ژانر ادبی دینی مجزایی تبدیل شد. نخستین متن از این دست را ابو اسحاق احمد ابن محمد ثعلبی (متوفی ۴۲۷ ق) در بغداد نوشته است، فرمی که محبوبیت خاصی در شرق ایران و آسیای مرکزی به دست آورد، یعنی همان ناحیه‌ای که ابن خلف نیشابوری نسخه اصلی را به زبان فارسی برگرداند. نسخه محبوب دیگری از قصص الانبیا به زبان عربی، اثر علی بن حمزه الکسایی، که گمان می‌رود در حدود ۶۰۰ ق نوشته شده باشد، اندکی بعد، از سوی محمد ابن حسن دیدوزمی به فارسی ترجمه شد.^{۵۹} این گونه بود که قصه‌های زندگی پیامبران شفاهی منتقل می‌شدند، آب‌وتاب می‌یافتند و قصه‌خوانان زنده نگاهشان می‌داشتند، شبیه به داستان‌های قهرمانان شاهنامه.^{۶۰} و این بدان جهت بود که قصه‌ی زندگی‌شان و اعمالشان و خودشان سرمشقی بشوند برای مردم عادی در مواجهه با رنج و سختی. این حضور پیامبران ابراهیمی، در ادامه، در کتاب البلهان ابومعشر با علائم منطقه البروج در هم آمیخت و از دری برای غیب‌گویی در آمد و نتیجتاً در فال‌نامه‌های مصور قوام یافت.

در کنار موارد مذکور، تصاویر آخرالزمانی موضوع دیگر فال‌نامه‌ها را شکل می‌دهند که به لحاظ تصویری می‌توانیم بگوییم دست‌کم بخاطر نسخه معراج‌نامه‌ای متعلق به قرن نهم هجری با این نوع تصاویر آشنایی داریم. همچنین در

گروه دیگری از تصویرسازی‌های مرتبط با حضرت محمد و عقابش مقابر و زیارتگاه‌ها را جهت دلالت بر حضور پیامبران بازنمایی می‌کنند. (تصویر ۱۴).^{۶۱} مقابر - خواه نمایش محل دفن پیامبر یا ائمه - بناهای یادبودی هستند که هم الهام‌بخش و الهام‌گیرنده از تقوای اسلامی هستند که در آن «مسلمانان به لحاظ روحی، جسمی و آیینی با مقدسات در تعامل اند.»^{۶۲} این مقابر نقطه‌ای را که در آن امر زمینی و امر مینوی، امر گذرا و امر روحانی بهم می‌گرانند، سمبل‌سازی می‌کنند. زیارتگاه‌ها که رابطی با منبع الهی در نظر گرفته می‌شدند، نقشی اساسی در صیانت از هویت اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بخصوص در میان صفویان شیعه داشتند؛ صفویانی که نزدشان، این زیارتگاه‌ها به نقطه‌ای مرکزی برای اعمال خیرخواهانه، سخاوتمندانه و تحکیم سیاسی بدل شده بود.^{۶۳} از صدر اسلام، زیارت اماکن مقدس جزء جدای‌ناپذیر آداب و حیات مذهبی بود. این اماکن برای فرمانروایان صفوی نقشی حتی مهم‌تر داشتند، فرمانروایانی که تشیع را مذهب رسمی



تصویر ۱۴: موسی و عوج بن عنق، فالنامه، احتمالاً ایران، حدود ۹۸۰-۹۹۰ ق (TSM H.1702, f.18b)

نبوده‌اند که مقیاسی عجیب داشته‌اند. حمزه‌نامه مصور که در دربار اکبر تولید شده بود و یا سه نسخه از زبده‌التواریخ-تبارشناسی دینی عثمان- جزء آن هستند. نسخه‌هایی که افزون بر مقیاس بزرگشان، رابطه متن و تصویر و ارجحیت تصویر بر متنشان همچون فال‌نامه‌ها سوال‌برانگیز است و تنها نقطه اشتراکشان باهم، در بر داشتن درون‌مایه‌های مذهبی و میانجی بودن بر گذشته و اکنون است. بدین ترتیب آیا روا است که بگوییم که در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در تقویم اسلامی (آغاز هزاره‌ی جدید) سبک و قالب جدیدی سر برآورد که به نوبه خود شماری از نسخه‌های خطی هم‌عصر دیگرش را تحت تاثیر قرار داد؟ و آیا می‌توان گفت هرچند هریک از این متون مصور بزرگ‌مقیاس در معنا، محتوا و حوزه عمل از یکدیگر متمایز بودند، اما جملگی به تایید هویت پادشاهی و یا دینی صفویان، عثمانیان و گورکانیان کمک می‌کردند؟ یعنی به همان سه امپراتوری بزرگ در پایان هزاره نخست.^{۶۱}

تصویرگری پهلوانان و حکیمان، اسکندر نماد شجاعت، عدالت و حکمت بیشترین بسامد تصویری را دارد. در این میان، حضور لقمان حکیم و بقراط طبیب در این فال‌نامه‌ها بواسطه معرفتشان در علم‌الغیب توجیه‌پذیر است. و البته در این فال‌نامه‌ها دو تصویر غریب وجود دارد که اتفاقاً بجای تمرکز بر رویدادها یا شخصیت‌های مذهبی یا ادبی، هشدار بر بت‌پرستی است.

چرا- اما درنهایت سوالی که بر این چرخش اهمیتِ تصویر و متن و بزرگ‌مقیاسی فال‌نامه‌ها در قرون دهم و یازدهم در قلمروهای صفوی و عثمانی وارد است، چرایی مسئله است. ابوالعلاء سودآور بزرگی فال‌نامه شاه طهماسب را به ضعف بینایی او مرتبط می‌داند. شاید این گفته در مورد این فال‌نامه خاص صحیح باشد اما باقی موارد را چگونه توجیه کنیم؛ آن هم زمانی که در می‌یابیم در این دوران، تنها فال‌نامه‌ها

پی‌نوشت

G. Flugel, "Der Loosbucher der Muhammadaner," *Berichte Uber die Verhandlungen der Koniglich Sachsische Gesellschaft der Wissenschaften zu Leipzig, Philologisch-Historische Klasse*, vols. 12-13 (1860-61), pp. 32-33, 43-44.

9. Paris, *Bibliothèque nationale*, Suppl. Person, no. 77, که هنری ماسه در متن زیر پیرامون آن بحث کرده است: "Fa'l-nama," *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed. (London: Luzac and Co., 1965), p. 761. برای دیدن نسخه‌های دیگر در کتابخانه بریتانیا که به تاریخ ۸۸۴ ق برمی‌گردد، بنگرید به: افشار، فال‌نامه، صص ۱۷۵-۷۶. متن این فال‌نامه با بیان این نکته شروع می‌شود: امام جعفر صادق پنجاه سال بر سر تالیف این کتاب عمر گذراند.

10. Bodleian Library, Oxford University, Or. 133. برای دیدن تصاویر، بنگرید به:

Oxford Digital Library, <http://www2.odl.ox.ac.uk>. متن و تصویرسازی‌های این نسخه در پژوهش ریخت‌شناسانه استفان کاربنی منتشر شده است.

Il Kitab al-Bulhan di Oxford (Torino: Editrice Tirrenia Stampatori, 1988).

همچنین بنگرید به:

Venice and the Islamic World 828-1797, ed. Stefano Carboni (New York, New Haven, and London: Metropolitan Museum of art and Yale University Press, 2006).

11. Carboni, Il-Kitab al-Bulhan, pp. 64-69, ill. 57-69.

۱۲. جدولی مربوط به رمل متعلق به قرن نهم که شامل اسامی شانزده پیامبر در دوایری است که بخشی از نقشه ستاره‌شکلی است، بر پیوند میان پیامبران و مفاهیم اخترشناسی دلالت دارد.

13. Browne, pp. 312-20; Omidasalar, "Divination," p. 441.

14. A theatrical and performative act

۱۵. عبید زاکانی، کلیات عبید زاکانی، تصحیح: محمدجعفر محجوب، تهران: انتشارات گلشایی، ۱۳۵۲، صص: ۳۴۷-۷۳. برای تصویر پرندگان در زمینه هنر پیشگویی، بنگرید به مباحثه‌ی مونس الاحرار.

۱۶. رازنامه را حسین بن رستم کفوی (متوفی ۱۰۱۰ق) از اهالی قصبه کفّه، در سال ۹۸۵ ق به ترکی تألیف کرده که شامل ۱۳۹ تفأل از دیوان حافظ است. نسخه‌ای از رازنامه به شماره ثبت «ادبیات ۷-د» در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است؛ نسخه‌ای است خوانا، کهن و منقح که پیش‌تر شیخ آقا بزرگ نیز از آن یاد کرده است. (م)

۱۷. نسخه قرن دهمی رازنامه در کتابخانه بریتانیا (Or. ۱۱۱۴) شامل سه نگاره از ادیبان عثمانی است که در مجلسی در فضای باز، کتاب‌هایی به دست دارند. متاسفانه این تصویرسازی‌ها محو شده‌اند.

1. Abu-l-Fazl, Akbar Nama, transl. By Beveridge, *Bibliotheca Indica* (Calcutta: Asiatic Society of Bengal, 1907), Vol. 1, p. 605;

همچنین در اینجا نقل شده است:

Vincent C. Scott O'Connor, *An Eastern Library: With two Catalogues of Its Persian and Arabic Manuscripts* (Glasgow, 1920) (<http://kblibrary.bih.nic.in/>) *Persian Catalogue*: vol. 1, no. 151, p. 240.

2. Patna, Khuda Bakhsh oriental public Library. *Divan of Hafiz*, no. 151, f. 67b.

همچنین بنگرید به:

O'Connor, *An Eastern Library*, pp. 239-40.

۳. نصرت‌نامه شرح اقدامات نظامی عثمانی علیه گرجستان و شیروان است.

4. Stanbul, Topkapi Palace Museum, H.1365, f. 36b.

این داستان در نسخه‌های متعلق به ۹۹۲ ق، تصویرسازی شده است که لله مصطفی پاشا و نویسنده کتاب (جلیل‌علی) را به همراه شیخ در حالی که به درویشان سماع‌کنان می‌نگرند، نشان می‌دهد. پاشا کتابی در دست دارد که احتمالاً همان مثنوی مولوی باشد که به آن تفأل زده بود.

5. Bibliomancy

برای خواندن مروری کلی در این باب، بنگرید به:

Mahmoud Omidasalar, "Divination," in Ehsan Yarshater, ed., *Encyclopaedia Iranica*, vol. (1996), pp. 440-43; T. Fahd, "Divination," *Encyclopedia of the Qur'an*, vol. 1, Jane Dammen McAuliffe, general ed. (Leiden: Brill, 2001), pp. 542-45; Christiane Gruber, "Divination," in Joseph W. Meri, ed., *Medieval Islamic Civilization*, vol. (2006), pp. 209-11.

6. prognostication

۷. از تورات و انجیل نیز در جوامع یهودی و مسیحی برای فال گرفتن استفاده می‌شد، بنگرید به:

Pieter W. van der Horst, "Stortes: sacred books as instant oracles in Late Antiquity," in L. V. Rutgers, P. W. van der Horst, H. W. Havelaar, and L. Teugels, eds., *The Use of Sacred Books in the Ancient Worls. Contributions to Biblical Exegsis and Theology* (Leuven: peeters, 1998), pp. 143-59.

۸. استخاره یکی از همین تکنیک‌های پذیرفته‌شده در باب استخاره یا تفأل قرآنی است. بنگرید به:

بنگرید به:

Charles Rieu, *Catalogue of the Turkish Manuscripts in the British Museum* (London: British Museum, 1888), p. 133, and Norah M. Titley, *Miniatures from Turkish Manuscripts* (London: British Library, 1981), p. 47, no. 37.

در کتابخانه ملی پاریس (Mss. Or. Pers. 174) است. عنوانش از بخش رمل و اسطرلاب و طلسم‌ها گرفته شده است.

Francis Richard, *Catalogue des manuscrits persans, Ancien fonds, vol. 1* (Paris: Bibliotheque nationale, 1989), pp. 193-95; Marianne Barrucand, "The miniatures of the Daqaiq al-Haqaiq (Bibliotheque Nationale Pers. 174): A Testimony to the Cultural Diversity of Medieval Anatolia," *Islamic art* 4 (1991), pp. 113-42; Francis Richard, *Splendeurs persanes. Manuscrits du XIIe au XVIIe siecle* (Paris: Bibliotheque nationale de France, 1997), p. 38.

24. Marie Lukens Swietochowski and Stefano Carboni with essays by A. H. Morton and Tomoko Masuya, *Illustrated Poetry and epic Images: Persian Painting of the 1330s and 1340s* (New York: Metropolitan Museum of art, 1994).

25. Swietochowski and Carboni, *Illustrated Poetry*, pp. 56-57.

۲۶. برای دیدن نمونه‌هایی، بنگرید به:

ff. 33b-43b, 45b-46b

همچنین برای استفاده از این تصاویر جهت قصه‌گویی، بنگرید به:

Carboni, *Venice and the Islamic World*, p.295,

۲۷. برای مثال، تصویری از صومعه بت‌ها (f. 37b) و درخت وق (f. 41b) در فالنامه احمد نیز آمده‌اند؛ یا جوج و مأجوج (f. 38a) هم در فالنامه پراکنده و هم در نسخه فارسی موجود در توپقاپی (H.1702) وجود دارد.

۲۸. آغاز و انجام این نسخه منتشر نشده گم شده است. تا سال ۲۰۰۸ به صورت مجموعه‌ای از برگه‌های پراکنده وجود داشت، اما زمانی گردآوری شده و از آن نگهداری می‌شود، اما متأسفانه ترتیب اصلی آن از دست رفته است.

۲۹. این نسخه در inebey I Kutuphanesi در بورسای نگهداری می‌شود؛ بنگرید به:

Hakki Ertaylan, *Falname* (Istanbul: Sucuoglu Matbaasi, 1951), pp. 32-35.

متن این دو نسخه خطی شبیه بهم نیستند، که نشان می‌دهد خورشیدنامه همچون سایر متون فال‌گیری، بر یک منبع واحد مبتنی نیستند.

۳۰. چه این عنوان و چه عناوین بعدی به انتخاب مترجم بوده است. در واقع از اینجای جستار به بعد، در متن اصلی کتاب، بصورت فصلی جداگانه آمده است؛ اما مترجم این فصل را بصورت مختصر و با اشاره به نکات مهم آن تلخیص کرده است. همچنین لازم به ذکر است که نویسندگان در این فصل مذکور، تنها بر روی چهار فالنامه متعلق به دوران صفوی و عثمانی تمرکز دارند و تلاش دارند از خلال آن‌ها، ویژگی‌های فالنامه‌های مصور قرن دهم و یازدهم صفوی-عثمانی را بر

۱۸. کفوی که اهل کفه واقع در شبه‌جزیره کریمه بود در دهه ۹۶۰ ق راهی استانبول شد، پس از پایان تحصیلاتش، در مدارس مختلفی در استانبول، ادرنه تدریس کرد و به شهرهای مهمی چون مدینه، مکه و اورشلیم سفر کرد یا اقامت داشت. تفسیرهای کفوی بر روی گلستان سعدی و دیوان حافظ علاقه وی را به این دو شاعر که اشعرشان مکرراً جهت پیشگویی استفاده می‌شد، نشان می‌دهد. کتاب نخستش درباره هنر فال‌گیری در سال ۱۵۷۷ در زمان اقامت یک ساله‌اش در موطنش کفه نوشت.

او در یکی از فتوهایش چنین اعلام کرد که اگر استشاره قرآنی به شیوه‌ای اتفاقی و بیش از اندازه باشد، مردود است.

m. Ertgrul Duzdag, *Seyhulislam Ebussuud Efendi Fetvalar Isiginda* 16. *Asir Turk Hayati* (Istanbul: Enderun Kitabevi, 1972), pp. 199;

همچنین بنگرید به:

Flugel, "Loosbucher der Muhammadaner," pp. 43-44.

19. <https://ganjoor.net/manoochehri/divanm/ghasideghete/sh2>

20. The Metropolitan Museum of art. *The Islamic World, intro. Tuart Cary welch* (New York: Metropolitan Museum of Art, 1987).

در مدخل آمده است که از این تصویر به‌عنوان اسبابی در قصه‌گویی عامیانه استفاده می‌شد.

۲۱. بنگرید به:

Oya Pancaroglu, "A World Unto Himself: The Rise of a New Human Image in the Late Seljuk Period (1150-1250)," PhD diss., Harvard University, 2000, pp. 57-65;

Oya Pancaroglu, "Signs in the Horizon: Concepts of image and boundary in a medieval Persian cosmography," *RES* 43 (spring 2003), pp. 31-32.

۲۲. بنگرید به:

Karin Ruhrdanz, "illustrated Persian: 'Ajaib al-makhlukat' manuscripts and their function in early modern time," in Andrew J. Newman, ed., *Society and Culture in the Early Modern Middle East* (Leiden: Brill, 2003), pp. 33-51; Karin Ruhrdanz, "Ein Illustrierter Latromagischer Text als Bestandteil von 'Aga'ib al-makhlukat Handschriften: vom Staunen uber der Schopfung zur magischen Praxis," *Journal of Turkish studies* 26, no. 2 (2002), pp. 183-93.

۲۳. این نسخه در قرن یازدهم در ازمیر حاصل آمد و اکنون نیز

می‌بایستند، نشان می‌دهد.

۴۰. برای بحثی نوین در مورد رابطه متن و تصویر، بنگرید به:

David Roxburgh, "Micrographia: Toward a Visual Logic of Persianate Painting," RES 43 (spring 2003), pp. 12-31.

۴۱. به راحتی می‌توان تصور کرد که چگونه چنین تغییراتی در معنا و اهمیت یک تصویر می‌تواند بدون یک متن به عنوان راهنما رخ دهد.

۴۲. در عین حال که یادآور آن‌ها نیز هستند.

۴۳. این نوع تکرار نیز از ویژگی‌های روایات شفاهی به شمار می‌رود، بنگرید به:

Ong, *Orality and Literacy*, pp. 38-39.

۴۴. اولتاریوس همچنین می‌افزاید: زنان می‌آمدند و دربارهٔ چگونگی حال و وضع پسران خود که در سفر بودند سوال می‌کردند که آیا بزودی باز خواهند گشت؟ آیا شوهران آنان زن دیگری با خود همراه خواهند آورد؟؛ بنگرید به:

Olearius, *Moskowitische und Persische Reise*, p. 442.

۴۵. در برخی اوقات این رهنمودها کاملاً خاص به شمار می‌آیند، برای مثال پیشگویی مربوط به تصویر جهنم در فالنامه پراکنده چنین بیان می‌دارد: شب جمعه و پنج‌شنبه، سیند و نمک آتش کن و در منزل خود بگردان کنید و بدست دختر [...] ده [...] تا بستگی از کارت بیرون رود.

۴۶. در همه فالنامه‌ها -بجز فالنامه پراکنده- وجود دارد.

۴۷. تصویر امام علی در جنگ خیبر نمونه مشهوری است که در کلیات تاریخی ۸۱۸ ق اثر حافظ آبرو در استانبول، کتابخانه کاخ توپقاپی (B.282) قرار دارد. برای تصویری (f.169) بنگرید به:

T. W. Lentz and G. D. Lowry, *Timur and Princely Vision: Persian Art and Culture in the Fifteenth Century* (Los Angeles and Washington, D. C.: Los Angeles County Museum of Art and Arthur M. Sackler Gallery, 1989), p. 132; Serpil Bagci, "From Texts to Pictures: 'Ali in Manuscript Painting,'" in *Ali in Islamic Belief*. Ed. Ahmet Yasar Ocak (Ankara: Turkish Historical Society, 2005).

۴۸. برای مثال، یمنی شاعر علوی-عثمانی (متوفی ۱۵۳۳) گزارشی روشن از چندین اپیزود زندگی حضرت علی به دست می‌دهد؛ بنگرید به:

Hazreti Ali'nin Faziletnamesi, ed. Adil Ali Atalay Vaktidolu (Istanbul: Can Yayinlari, 2003).

همچنین بنگرید به مداخل معراج پیامبروتابوت امام علی. به‌طرز جالبی این صحنه‌ها نه در نسخه‌های قرن دهمی قصص‌النبی و نه در نسخه‌های بجامانده از خاوران‌نامه (که ماجراهای خارق‌العاده‌ای درباره حضرت علی و یارانش را بازگو می‌کند و در سال ۱۴۲۷ به دست ابن حسام خوسفی انجام یافته) آمده است؛ بنگرید به: یحیی ذکاء، «خاوران‌نامه: نسخه خطی و مصور موزه هنرهای تزئینی»، هنر و مردم ۲۰ (۱۳۴۳)، صص. ۱۷-۲۹؛

شمارند. بنابراین در ادامه جستارمان وقتی از فالنامه‌های مصور سخن می‌گوییم بیشتر به این چهار مورد نظر داریم. فهرست این چهار نسخه به قرار زیر است:
فالنامه‌ای موسوم به پراکنده (The Dispersed Falnama): تولیدشده در دوران سلطنت شاه طهماسب صفوی (سلطنت ۱۵۲۴-۱۵۷۶)،

نسخه صحافی‌شده منتسب به ربع سوم قرن دهم که اکنون در موزه توپقاپی استانبول است (The Topkapi Persian Falnama)، فالنامه‌ای موسوم به درسدن (The Dresden Falnama): گردآوری‌شده در مجلدی متعلق به قرن یازدهم، فالنامه احمد (The Falnama of Ahmed): نسخه‌ای متعلق به ۱۰۲۳ تا ۱۰۲۵ که وزیر قلندر پاشا (متوفی ۱۰۲۵ ق) برای سلطان احمد اول (سلطنت ۱۰۱۲-۱۰۲۶ ق) گرد آورده بود. این نسخه اکنون در مجموعه موزه توپقاپی قرار دارد. فالنامه احمد اول تنها کتابی است که فال‌هایش به زبان ترکی عثمانی نوشته شده‌اند، باقی موارد به زبان فارسی‌اند.

31. Hoca Mehmed Celebi

32. Evliya Celebi b. Dervis Muhammad Zilli, *Evliya Celebi Seyahatnamesi*. Topkapi Sarayi Bagdat 304 Yazmasinin Transkripsiyonu- Dizini. I. Kitap: Istanbul, ed. O. Saik Gokyay (Istanbul: Yapi Kredi Yayinlari, 1996), p. 292.

33. Celebi, *Evliya Celebi Seyahatnamesi*, p. 262.

34. performance

۳۵. برای رویه قصه‌گویی، بنگرید به:

Mahmoud Omidasalar, "Storytellers in Classical Persian Texts," *Journal of American Folklore* 97, no. 384 (April-June 1984), pp. 204-12.

36. Stephan Gerlach, *Turkiye Gunlugu 1577-1578*, ed. K. Beydilli, trans. T. Noyan (Istanbul: Kitap Yayınevi, 2006), vol. 1, p. 653.

اما مشخص نیست که آیا این کتاب‌ها مصور بوده‌اند یا خیر.

۳۷. بنگرید به سفرنامه اولتاریوس، صص ۳۱۲ و ۳۱۳، ترجمه احمد بهپور (م)؛ یا

Adam Olearius, *Moskowitische und Persische*, ed. Eberhard Meissner (Darmstadt: Progress-Verlag Johann Fladung, 1959), p. 441.

۳۸. بنگرید به سفرنامه شاردن صص ۲۵۲ و ۲۵۳ از جلد پنجم (م).
Vozage du Chevalier Chardin en Perse et autres Lieux de L'Orient, vol. 4 (Paris: L. Langles, 1811), pp. 478-79.

۳۹. با وجود پیشگویی‌های نوشتاری، دیگر استشاره از این فالنامه‌ها [چهار فالنامه مذکور] نیازی به میانجی‌ناشت؛ آنها اکنون همان کارکرد صاحبان فال و فال‌بینان را داشتند. جایگزینی تفاسیر شفاهی (که بیشتر مبتنی بر طرز فکر شخصی بودند) با تفاسیر مکتوب ثابت در این فالنامه‌ها روشی نظام‌مندتر و کدگذاری‌شده را در هنر فال‌گیری نسبت به شیوه‌ای که محمد چلبی و فالگیران اصفهانی بکار

مرزهای میان امر عمومی و خصوصی، میان شهر و حومه، میان غنی و فقیر و فرزانه و بی‌سواد در می‌گذشت» بنگرید:

Meri, "Islamic Cult of saints," p. 286.

برای نوسازی حرم‌های اصلی شیعیان در قرن دهم، بنگرید به:

Sussan Babai, "Building on the Past: The Shaping of Safavid architecture, 1501-76," in Thompson and Canby, *Hunt for Paradise*, passim.

۵۵. برای بحثی درباب نخستین مجموعه‌ها از پرتوهای پیامبران بنگرید به:

David Roxburgh, *Prefacing the Image: The writing of art History in Sixteenth-Century Iran* (Leiden: Brill, 2001), pp. 170-74.

۵۶. یکی از نخستین تواریخ از این دست، تاریخ‌نامه بلعمی در گالری هنر فریر است: F1957.16 و F1947.19

بنگرید به:

Teresa Fitzherbert, "Religious Diversity under Ilkhanid rule c. 1300 as reflected in the Freer Bal'ami," in *Beyond the Legacy of Genghis Khan*, ed. Linda Komaroff, *Islamic History and Civilization, Studies and Texts*, eds W. Kadi and R. Wielandt, vol. 64 (Leiden and Boston: Brill, 2006), pp. 390-406.

تاریخ دیگر جامع التواریخ رشیدی است؛ بنگرید به:

Sheila S. Blair, *A Compendium of Chronicles: Rashid al-Din's History of the World. The Nasser D. Khalili Collection of Islamic art* (Oxford: Nour Foundation and Oxford University Press in association with Azimuth Editions, 1995).

57. Angelika Newirth, "Myths and Legends," in *encyclopaedia of the Qur'an*, vol. 3 (Leiden and Boston: Brill, 2003), pp. 480,484.

۵۸. برای بحثی کلی در این باب، بنگرید به:

Haim Schwarzbaum, *Biblical and Extra-Biblical Legends in Islamic Folk-Litreture* (Walldorf-Hessen: Verlag Fur Orientkunde, 1982); Franz Rosenthal, "The Influence of the Biblical Tradition on Muslim Historiography," in *Historians of the Middle East*, ed. Bernard Lewis and P. M. Holt (London: oxford University Press, 1962), pp. 35-45.

59. Muhammad ibn Abd Allah al-Kisa'I, *Qisas al-anbiya*, trans. Wheeler M. Thackston, Jr., series ed. Seyyed Hossein Nasr (Chicago: Kazi Publications, 1997), pp. xix-xxii,

همچنین بنگرید به:

Milstein et al., *Stories of he Prophers*, pp. 7-10.

۶۰. بنگرید به:

Omidasalar, "Storytellers," pp. 204-12; al-Kisa'I, *Tales of the Prophet*, pp. xviii-xix.

برای نقش تاثیرگذار و آزار و اذیت این شخصیت‌ها در دوران صفوی،

Basil Gray, *Persian Painting* (New York: Sikra, 1961), pp. 105-108.

اخیراً موزه کاخ گلستان تهران تمام نقاشی‌های خاوران‌نامه را بصورت نسخه‌ای عکس‌برداری شده منتشر کرد؛ بنگرید به: خاوران‌نامه این حسام خوسفی بیرجندی (تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۲۰۰۲). برای بحثی نوین درباره متن، بنگرید به:

Charles Melville, "Ibn Husam's Havaran-nama and the Sah-nama of Firdawsi," *Eurasian Studies* v, nos. 1-2 (2006), pp. 219-34.

49. Annemarie Schimmel, *And Muhammad is His Messenger: The Veneration of the Prophet in Islamic Piety* (Chapel Hill: University of North Carolina Press, 1985), p. 67.

۵۰. این تصویر الهام‌گرفته از سوره ۵۴، آیه ۱ قرآن (سوره القمر) است که می‌فرماید: «اقتربت الساعة واشق القمر». این معجزه به قصد آن بود که شک قریش را به صدق پیام محمد و وحی او برطرف سازد. برای بحثی در باب این داستان، بنگرید به: Schimmel, *Muhammad is His Messenger*, pp. 69-71.

۵۱. این محوطه‌ها مسجد اقصی را در خود داشتند، TSM H.1703, f. 16b مقبره حضرت علی در نجف، TSM H.1702, f. 21b, Dresden E445, f. 50b, the dispersed Falnama. حرم امام حسین در کربلا، TSM H.1702, f. 43b و Dresden E445, f. 32b مقبره پبلمبر در مدینه، TSM H.1702, f. 27b. مکه و کعبه: Dispersed Copy, TSM H.1702, f. 27b. زیارتگاهی به یاد امام رضا در فالنامه پراکنده و احتمالاً مقبره‌اش در فالنامه درسدن: Dresden E445, f. 26b.

52. Joseph W. Meri, "The Etiquette of Devotion in the Islamic Cult of Saints," in *The Cult of Saints in antiquity and the early Middle Ages. Essays on Contribution of Peter Brown*, ed. James Howard-Johnston and paul Anthony Hayward (Oxford: oxford University Press, 2000), p. 273.

۵۳. کشور رضوی اشاره می‌کند در همان حال که صفویان از زیارتگاه‌های مقدس حمایت می‌کردند، سنی‌ها بر نقش و عملکرد مساجد جمعه تاکید داشتند. خاصه زنان سلطنتی نقشی فعال در حمایت و نگهداری از این حرم‌ها و فعالیت‌های جاری در آن داشتند، بنگرید به:

Kishwar Rizvi "Gendered Patronage: women and Benevolence during the Early safavid Period," in *women, Patronage, and Self-Representation in Islamic Societies*, ed. D. Fairchild Ruggles (Albany: State University of New York Press, 2000), p. 129.

۵۴. اسلام راستین فعل زیارت کردن را مغایر با قوانین توحیدی در نظر می‌گیرد. با این وجود به گفته مری، «مقبره‌ها و حرم با همه جوانب حیات روزمره در هم آمیخته شده بودند. این زیارت‌ها از

بنگرید به:

Kathryn Babayan, *Mystics, Monarchs, and Messiahs: Cultural Landscape of Early Modern Iran*, Harvard Middle Eastern Monographs xxxv (Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 2002), passim.

۶۱. بند آخر «چرایی» به پیرایش مترجم در آمده است. در واقع نویسندگان کتاب پرسش‌ها را نه در قالب پرسش بلکه به‌عنوان فرضیات تقریباً پذیرفته‌شده نوشته‌اند، اما به دلایل آنکه این نویسندگان مستندات و شواهد کافی در اختیار خواننده قرار ندادند، من مترجم ترجیح داده‌ام که فرضیات را به‌عنوان سوالاتی مطرح کنم که همچنان جای کاوش دارند. (م)